



ماکن مولانا غزالی مولانا



آیت الله مرعشی نجفی (رحمه الله علیه): غدیر ریشه و پایه دینی قیم است و بر همه مسلمانانی است که سعی کنند در برپایی آن و از درگاه خداوند متعال برای کسانی که در احیای غدیر به پاخواستند امید اجر و ثواب دارم و ما هم تأیید و یاری می‌کنیم نسبت به برپایی این مناسبات‌های اسلامی که در استحکام دین حنیف (توحید) می‌باشد.

علامه طباطبایی (رحمه الله علیه): پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در غدیر خم با معرفی علی (علیه السلام) به عنوان متصدی اسلام اندیشه معاندان را باطل کرد و فرمود: الله اکبر از کامل شدن دین و تمام شدن نعمت و رضایت خدا و ولایت علی (علیه السلام) بعد از من.



داستان غدیر و تاریخ غدیر، از عظمت غدیر و ضرورت ولایت و ریشه ای بودن این مسئله خبر می‌دهد. این نوشته به تحلیلی از ولایت و زیربنا و پایه های آن، ضرورت ولایت و هدف از این ولایت و رهبری و گام های رسول نسبت به این ولایت و رهبری می‌پردازد.

زندگی بسیاری از ما با اعتقاد به امامت گره خورده است. با این طرح، راه

خویش را در تاریخ آغاز نموده و در این راه رنج‌ها برده ایم. این تاریخ خونین تشیع و این رگ‌های جوشان پدران ماست که دست‌های حاکمان مسلط را خضاب کرده و افق را رنگین! امروز و در این نسل، ما امامت را پذیرفته ایم ولی شاید طرح امامت برای خود ما که شیعه هستیم هم، گنگ و مبهم باشد. کتاب "غدیر" بر آن است تا ما را با زیر بناها و ضرورت و اهداف امامت و ولایت آشنا سازد.



دوری لیلی کجا؟ دوری لیلیا کجا؟

عشق مجنون‌ها کجا؟ عشق زین الدین کجا؟

در برخورد اولمون گفت انتها راه من شهادت‌ه اگر جنگ هم تموم شه و شهید نشم هر جا که جنگ حق علیه باطل باشه میرم تا شهید شم. روز عاشورا بود که برگشتم قم فرداش هم قرار بود آقا مهدی برگرده جبهه بعدها گاهی می‌گین به دلم افتاده بود که این آخرین باره که می‌بینمش. آن روز خانه‌ی پدرشان مهمانی مهدی رسید در خونه محرم بود و لباسش چند لحظه با لبخند را نگاه می‌مادرش گفت: "باز هم کن" با لحن بغض آلود گفت: "مادر دیگه خسته شدم می‌خوام شهید شم" بعد رو کرد به من لبخند زد. فردا صبح قبل اذان زیارت رفتیم. رفتن او هوای حرم را برایم غمگین کرده بود بعد از زیارت مرا به خانه رساند رفت جبهه و این آخرین باری بود که دیدمش. به خاطر جنگ، شش سال بود که هیچ جا بیش از ده روز نمانده بود که بتواند روزه بگیرد وصیت کرده بود که دویست روزه بدهکارم آخر مراسمش در حسینیه برادر صادقی وصیت آقا مهدی را گفت و پرسید: "کی حاضره برایش این روزه‌ها رو بگیره" همه بلند شدند، انگار که فرمانده لشکر ای طالب رو به رویشان ایستاده بود هر نفر یک روزه هم می‌گرفت ده هزار روزه می‌شد.



روز مباحله، روزی است که پیامبر مکرم اسلام (صلی الله علیه)، عزیزترین عناصر انسانی خود را به صحنه می‌آورد. نکته‌ی مهم در باب مباحله این است: "و انفسنا و انفسکم" در آن هست؛ "و نساءنا و نساءکم" در آن هست؛ عزیزترین انسانها را پیغمبر اکرم (صلی الله علیه) انتخاب میکند و به صحنه می‌آورد برای محاجه‌ای که در آن باید تمایز بین حق و باطل و شاخص روشنگر در معرض دید همه قرار بگیرد. هیچ سابقه نداشته است که در راه تبلیغ دین و بیان حقیقت، پیغمبر دست عزیزان خود، فرزندان خود و دختر خود و امیرالمؤمنین را - که برادر و جانشین خود هست - بگیرد و بیاورد وسط میدان؛ استثنائی بودن روز مباحله به این شکل است. یعنی حقیقت، ابلاغ حقیقت، چقدر مهم است؛ می‌آورد به میدان با این داعیه که می‌گوید بیاییم مباحله کنیم؛ هر کدام بر حق بودیم، بماند، هر کدام بر خلاف حق بودیم، با عذاب الهی ریشه‌کن بشود."

مباحله

"اگر پیامبر، علی (علیه السلام) را در روز غدیر به عنوان "امیرالمؤمنین" معرفی کرد پس چرا امارت مسلمین در دست دیگران است و اگر این مقام حق دیگران بود..."

صفحه ۲



الجنیدی در رابطه با بچه ای که به دستش سپرده بود، سؤال کرد. الجنیدی گفت بچه؟ این بچه است؟ من یک مسأله از ادب برای او بیان میکنم او باب هایی از ادب برای من بیان میکند. ... صفحه ۳

بدهکارم صفحه ۴



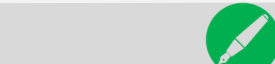
#مرگ بر آل سعود

ما تا حالا خویشتن‌داری کردیم، اگر بنا شد عکس‌العمل نشان بدهیم، عکس‌العمل‌های ما خشن هم خواهد بود، سخت هم خواهد بود.



عصا

c ddc a c



دنیای اسلام سؤالات زیادی در این خصوص دارد و حکام عربستان به جای فراقنی، باید با عذرخواهی از امت اسلامی و خانواده‌های داغدار، مسئولیت خود را در این حادثه‌ی سنگین بپذیرند و به لوازیم آن عمل کنند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، حادثه‌ی تلخ منا و تبدیل شدن عید قربان به عزای امت اسلامی را یادآور شدند و افزودند: انسان لحظه‌ای نمی‌تواند خود را از این غم فارغ بداند و این غم در چند روز اخیر بر دل‌های ما و همه‌ی مسلمانان سنگینی می‌کند.

رهبر انقلاب، فراقنی حکام عربستان و سر باز زدن از پذیرش مسئولیت این فاجعه را نادرست و اقدامی عقیم و بی‌اثر خواندند و گفتند: دنیای اسلام سؤالات زیادی دارد و جان باختن بیش از هزار نفر در این حادثه، مسئله‌ی کوچکی نیست، بنابراین جهان اسلام باید برای این مسئله فکر کند."

عصا



چون وجود مقدس ازلی شاهد دلربای لم یزلی

وقت پیمان گرفتن از ذرات با صدایی رسا و بانگ جلی

“اولست بریکم” فرمود پاسخ آمد از هر طرف که: بلی

تا بسنجد عیارشان، افروخت آتشی در کمال مشتعلی

داد فرمان، روند در آتش تا جدا گردد اصلی از بدلی

فرقه‌یی ز امر حق تمرد کرد گشت مطرود حق ز پر حیلی

با شقاوتقرین و مد شد شد پریشان ز فرط منفعلی

فرقه دیگری در آتش رفت ز امر یزدان قادر ازلی

با سعادت قرین شد و همدم گشت مقبول حق ز بی خللی

بهر این فرقه حق عیان فرمود جلوات نبی و نور ولی

که منم نور احمد مختار مهر من نیست غیر مهر علی

ناگهان شد عیان در آن وادی نور مولا علی ز بی حللی

چون به خود آمدند، می‌گفتند در حضور خدای لم یزلی



نسیان یا کتمان؟

اتفاقی افتاد؟ چرا مسیر تعیین شده از جانب نبی مکرم اسلام(صلی الله علیه و آله) منحرف شد؟ ائمه اطهار(صلوات الله علیهم اجمعین) برای مقابله با این انحراف چه اقداماتی صورت دادند؟ در این شرایط و پس از گذشت سالیانی دراز از آن ماجرا وظایف ما در قبال آن چیست؟ و…

پس از این واقعه که به نقل قرآن کریم روز یأس و ناامیدی کفار و منافقان از دین اسلام بود (سوره مائده ۵)، منافقان امت – که از یک طرف حسادت های جاهلی و از جانب دیگر حب ریاست و قدرت سراسر وجودشان را فراگرفته بود – در صدد غصب این مقام الهی برآمده، دست به اقداماتی زدند که تا آن زمان جرئت انجام آن را پیدا نکرده بودند و در این راه از انجام هیچ مکر و حيله ای مضایقه نکردند. از توطئه ترور قتل رسول اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) (واقعه هرشا) گرفته تا سرباززدن از امر حضرتشان مبنی بر پیوستن به لشکر اسامه که برای جهاد در راه خدا در حرکت بود، و از شایعه خواندن رحلت خاتم الانبیاء(صلی الله علیه و آله و سلم) تا رها کردن پیکر مطهر آن حضرت و پرداختن به جنگ و جدال بر سر غصب خلافت.

خلاصه آن که هر آن چه از دستشان برآمد برای نییل به اهداف پلیدشان انجام دادند ولی مطلبی که همیشه خاطرشان را آزار می داد و دغدغه اصلی ذهنشان شده بود روز بزرگ غدیر بود. این روز و اعلان عمومی ولایت امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) مطلبی نبود که به همین راحتی بتوان از آن گذشت. **سؤالی که هر از چند گا هی به عنوان اعتراض مردمی درآمده و پایه های حکومت آن غاصبان را به لرزه می انداخت این بود که “اگر پیامبر، علی(علیه السلام) را در روز غدیر به عنوان “امیرالمؤمنین“ معرفی کرد پس چرا امارت مسلمین در دست**

دیگران است و اگر این مقام حق دیگران بود پس چرا در آن روز بزرگ دست علی(علیه السلام) بر فرافز دست ها در دست پیامبر جا گرفت؟ چرا پیامبر بر ولایت علی(علیه السلام) از همه بیعت گرفت؟ و…” این سوالات، غاصبان خلافت را بر آن واداشت که برای حل این مسئله راهکاری ارائه دهند. راه حل ارائه شده چیزی نبود جز **” تلاش برای فراموش سازی غدیر“**. این رویکرد بلافاصله پس از شهادت پیامبر (صلی الله علیه) اجرا شد و اموری مانند ممنوعیت نقل احادیث پیامبر، ممنوعیت تفسیر قرآن، ساختن احادیث جعلی و اشاعه آن احادیث در بین مردم و … بر تسریع آن افزود.

روند فراموش سازی روز با عظمت غدیر تا آن جا ادامه یافت که نه تنها امارت امیر المؤمنین علی (علیه السلام) فراموش شد بلکه کار به آن جا رسید که دشمنان دیرین اسلام خود را امیرالمؤتین نامیدند و رقص کنان بر سر مزار شهدای اسلام و یاران رسول خدا این تصاحب و غصب ظالمانه را جشن گرفتند. و بدین ترتیب رؤیای حضرت رسول(صلی الله علیه و آله و سلم) مبنی بر به منبر نشستن بوزینگان تحقق یافت.

برای مثال به یکی از این احادیث گران قدر اشاره ای کوتاه می نمایم:«در یکی از اعیاد غدیر که اصحاب و دوستان امام رضا(علیه السلام) برای عرض تبریک آمده بودند، حضرت آن ها را برای افطار نگه داشتند و قبل از آن غذا، هدایا، لباس، انگشتری و چیزهای بسیار دیگری به خانه هایشان فرستاده بودند به طوری که احوال خودشان و اطرافیانشان حسابی عوض شده بود. آن گاه ضمن صحبت از فضایل غدیر فرمودند:” در یکی از سال های خلافت امیرالمومنین جمعه و عید غدیر یکی شدند.

حضرت به منبر رفتند و سخنرانی کردند. (که قسمتی از این خطبه خواندنی عبارت است از:) خدا خیرتان دهد، بعد

از این اجتماع به خانه هایتان بازگردید و برای اهل و عیال خود دست و دلبازی کنید و به برادران و دوستانتان نیکی کنید… .

نیکی در این روز اموال را زیاد می کند و عمر را می افزایشد و مهربانی کردن در آن، رحمت و رأفت خداوند را جلب می کند… در میان یکدیگر خوشرویی نشان دهید و در دیدار یکدیگر اظهار شادمانی کنید وبر آن چه خداوند به شما بخشیده سپاس گزارید… . **هرکس در این روز به مؤمنی افطار دهد گویی به**

یک میلیون نبی و صدیق و شهید افطار داده… .

چون همدیگر را دیدید، دست بدهید و

سلام کنید و نعمت امروز را به هم تبریک بگویید. **حاضران به غایبان و شاهدان به آیندگان برسانند…** رسول خدا(صلی الله علیه) به من این چنین امر فرمود: “این بود برخی از وظایف هر مسلمان شیعه که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در کلمات گهربارشان به آن اشاره نمودند. امیدواریم خداوند منان ما را در انجام این امور و رساندن آن به دیگران موفق بدارد و ما را از شاکران نعمت بزرگ ولایت به شمار آورد همانان که مستانه زیر لب می سرایند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

عَلَىٰ ابْنِ أَبِيطَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ أَوْلَادِهِ الْمَعْصُومِينَ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)

از فضایل حضرت هادی(علیه السلام)

در سال دویست و هجده هجری قمری معتصم دستور داد حضرت جواد(علیه السلام) را از مدینه به بغداد – دو سال قبل از به شهادت رساندن ایشان – بیاورندحضرت هادی تنها شش سال داشت که به همراه خانواده اش به دور از پدر در مدینه ماند. پس از عزیمت امام جواد(علیه السلام)، معتصم از خانوادهی حضرت پرس و جو کرد وقتی شنید که پسر بزرگ حضرت جواد(علیه السلام) شش سال دارد برآشفت و گفت این خطرناک است. معتصم دستور داد سرپرستی کودک به ظاهر شش ساله را

به یکی از علمای مدینه به نام الجندی از مخالفترین و دشمن ترین مردم با اهل بیت بود بدهد. معتصم به خیال خام خود کهکه الجندی میتواند این کودک را دشمن اهل بیت تربیت کند.

بعد از چند وقت دستگاه خلافت از الجندی در رابطه با بچه ای که به دستش سپرده بود، سؤال کرد. الجندی گفت بچه؟ این بچه است؟

”شد غلامی که آب جو آرَد

آب جوی آمد و غلام ببر“

حدیث‌بک عشق



چرا کاری که به این سادگی انجام میشه رو با

تجملات دست و پا گیر و اضافی همراه می کنیم؟ الآن ازدواج تبدیل شده به یه غول بی شاخ و دم و کابوس برای جوانای در شرف ازدواج. خانواده ها رو که دیگه نگو، بجای خوشحالی و جشن گرفتن از این که بچه هاشون

به سن ازدواج رسیدن؛ عزای جهیزیه و خرید عروسی و مراسم عروسی رو می گیرن! نمیگم جشن نباشه، باشه ولی معقول و ساده، این تکلفات نه

تنها کمکی به ازدواج جوونا نمی کنه بلکه باعث بالا رفتن سن ازدواج و هزارو یک مشکل دیگه تو جامعه میشه. خیلیا این فرصت طلایی رو با بهونه هایی مثل آمادگی ازدواج رو ندارم و هنوز نمی تونم یه زندگی رو مدیریت کنم از دست میدن، که اینا همش

یعنی: نمی خوام مسئولیت جدیدی رو بپذیرم. خودمونی تر یعنی فرار از مسئولیت پذیرى. یا یه بهونه جالب تر که مربوط به وضع مالی و درآمد آقا داماد میشه! انگار وعده صریح خدا رو نشنیدیم که میگه :حتی اگر فقیر باشید من از همه لحاظ شما رو بی نیاز می کنم”**إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ** “ البته ما عادت داریم که به وعده های مردم عادی دلخوش کنیم و تو وعده های خداوند شک کنیم.

